



رازی

از دیدگاه ادوارد براون

خاورشناسی علاقه پیدا می‌کند و زبانهای عربی، فارسی و ترکی را می‌آموزد. چنین فردی طبعاً صلاحیت خاصی برای تحقیق در طب اسلامی دارد زیرا به قول خود او محقق در مورد چنین موضوعی باید زبانهای یونانی، لاتین، عربی و فارسی و در صورت امکان سانسکریت را بداند و از علم طب نیز سر رشته داشته باشد و یا به آن علاقمند باشد.

کتاب طب اسلامی مشتمل بر چهار سخنرانی در تاریخ طب اسلامی می‌باشد که ادوارد براون طی تقریباً شانزده جلسه در دانشگاه کمبریج در مدت دو سال ۱۹۲۱-۱۹۱۹ ایراد کرده است. در بخشی از سخنرانی دوم، براون به معرفی چهار مؤلف ایرانی آثار طبیبی قدیم می‌پردازد که یکی از آنها ابوبکر محمدبن زکریای رازی است. در این مقاله به خلاصه‌ای از مطالب او به شرح زیر اشاره می‌شود:

ابوبکر محمدبن زکریای رازی که اعراب او را

پروفسور ادوارد براون خاور شناس بزرگ و ایران شناس معاصر که در بسیاری از شئون باستان‌شناسی ایران تحقیقات گرانبهایی انجام داده، طب ایران را مورد توجه خاص قرار داده و حاصل مطالعات خود را در کتاب طب اسلامی (طب عربی) جمع‌آوری نموده است. براون در این کتاب پس از ذکر مقدمه‌ای درباره وضع طب در صد سال اول هجری و شرح آثار و تألیفات اطبای اسلامی، سهم عظیمی را که دانشمندان و پزشکان اسلامی در انتقال علم پزشکی به اروپا در سراسر دوران تاریک قرون وسطی داشته‌اند، نشان می‌دهد و حق ایرانیان را در پسرقت علم پزشکی مورد تأکید قرار می‌دهد. وی سپس ضمن بحث مفصل با ذکر شواهد بسیار، دانش پزشکی اروپاییان و مسلمانان را در دوران جنگهای صلیبی، مقایسه می‌کند و اطلاعات بسیار گرانبهایی ارائه می‌دهد.

ادوارد براون اصلاً پزشک بوده ولی بعدها به

الرازی و مؤلفین لاتین قرون وسطی «Razes» گفته‌اند، شاید از بزرگترین و مبتکرترین پزشکان اسلامی و یکی از مؤلفین پر اثر است. محل فعالیت او در ری بود که چند فرسنگ با تهران پایتخت جدید ایران فاصله دارد.

رازی در کودکی به موسیقی علاقه‌ای وافر و در نواختن نی مهارت به سزا داشت. سپس هم خود را مصروف فلسفه کرد ولی در حکمت اولی به عمق مطلب پی نبرد و مقصد نهایی آن را دریافت. از این لحاظ رازی کاملاً نقطه مقابل بوعلی سینا است زیرا در بوعلی جنبه فلسفه به پزشکی می‌چربید، در صورتی که در رازی جنبه پزشکی به فلسفه غلبه داشت.

رازی بیشتر عمر خود را در ایران گذراند زیرا آنجا میهن او بود. هنگامی علاقه وی نسبت به طب جلب شد که به سن رشد رسیده بود. در این سن به بیمارستان رفت و با یک داروساز که در آن بیمارستان به خدمت اشتغال داشت به صحبت پرداخت. سرانجام در بیمارستان ری پزشک مسؤؤل گردید. هر بیماری که به بیمارستان مراجعه کرد ابتدا توسط شاگردان شاگردان او معاینه می‌شد و اگر مسأله برای آنان روشن نمی‌گردید به شاگردان بلافصل استاد عرضه می‌گشت و در صورتی که آنها هم در تشخیص عاجز می‌ماندند به خود وی ارایه می‌شد.

رازی بعدها پزشک مسؤؤل بیمارستان بزرگ بغداد گردید و گفته‌اند که در مورد نحوه ساختمان آن با وی مشورت کردند. زمانی که از او خواستند محل مناسبی برای بنای بیمارستان انتخاب کند، دستور داد تا قطعاتی از گوشت در محل‌های مختلف شهر بیاویزند و آن محل را

برگزینند که در آن علایم فساد در گوشت دیرتر ظاهر گردد.

مطلبی که در همه سرگذشت‌های رازی نوشته شده آن است که در اواخر حیات از اثر درد چشم کور شد و قبول نکرد که مورد عمل جراحی قرار گیرد. عذرش این بود که نمی‌خواهد دیگر چشم به این جهانی که از آن سیر شده و ناپایداری آن را دریافته بود، بگشاید. گفته شده است که علت غیر مستقیم کوری او نتیجه اشتغال زیاد به کیمیا بود. این حقیقت از آثار او که در نوشته‌های قفطی و ابن ابی اصیبعه آمده و شامل دوازده مبحث و مقاله در کیمیا است بخوبی معلوم می‌شود. در مورد علت نابینایی رازی داستان‌های زیادی ذکر می‌گردد که شبیه شایعاتی است که برای علمای قرون وسطی اروپا نیز ساخته‌اند.

وقتی به آثار رازی توجه می‌کنیم به اسناد قابل اعتمادی می‌رسیم زیرا هیچ دلیل ندارد نسبت به صحت فهرستی که وسیله سه نفر از معتمدترین شرح حال نویسان و بنا به گفته آنان بر اساس اظهارات و یادداشت‌های رازی تهیه شده است بدگمان باشیم. الفهرست که قدیمی‌ترین سند ما است ۱۱۲ اثر مفصل و ۲۸ اثر مختصر به علاوه دو منظومه به او نسبت می‌دهد. قسمت اعظم این آثار مفقود گردیده است ولی آن چه باقیمانده برای تخمین و یقین کیفیت علمی او کافی است. از آثار مفصل او رساله‌ای است که در آبله و سرخک نوشته و در اروپا مشهورتر از سایر رساله‌های او می‌باشد. اصل عربی این رساله با ترجمه لاتین آن اولین بار به وسیله Channing (کسی که آبله کوبی را معمول کرد) در سال ۱۷۶۶ میلادی مطابق با ۱۱۸۰ هجری در شهر لندن چاپ شده است. این رساله سابقاً به

نام بیماری‌های واگیردار معروف بود و چنان که نوپورگر می‌گوید: «از هر لحاظ و از روی انصاف این رساله زینتی است به آثار طبی اعراب» سپس اظهار نظر می‌کند که «این رساله از نظر اهمیت بسیار ممتاز است و در تاریخ شناخت بیماری‌های واگیردار قدیمی‌ترین رساله است که راجع به آبله نوشته شده است و رازی را هم چون پزشکی با وجدان و خالی از هر گونه تعصب می‌نماید که در پی بقراط روان است.»

رساله دیگر رازی در خصوص سنگ مثانه و کلیه است. اصل عربی آن با ترجمه فرانسه (لیدن ۱۸۹۶) توسط دکتر پ. دو کنینگ منتشر شد. ترجمه آلمانی دیگر آثار رازی و خصوصاً اثر تفریحی و مقرون به مزاح او در خصوص موفقیت شایدان در کسب تجربه و شهرت در قبال پزشکان شایسته و کاردان مرهون زحمات لشتانیشنايدر (Steinschneider) است. آثار مفصل چاپ نشده دیگر رازی در کتابخانه‌های عمومی اروپا و شرق موجود است، مانند نسخه خطی (شماره ۳۵۱۶ Add.) کتابخانه دانشگاه کمبریج که اخیراً خریداری شده و حاوی رساله‌هایی درباره نقرس، روماتیسم و قولنج می‌باشد که القظی از آنها یاد کرده است.

رازی علاوه بر رساله‌های مفصل، آثاری درباره مباحث کلی طبی نوشته که تعداد آنها به ده تا دوازده می‌رسد از جمله این آثار: «جامع»، «کافی» و «مدخل» می‌باشند که از لحاظ مقاله پایین‌تر از نوشته‌های دیگر او است.

آثار دیگر رازی شامل «ملوکی» که برای علی بن وهسودان فرمانروای طبرستان گردآوری کرده و «منصوری» که ترجمه لاتین آن در سال ۱۴۸۹ میلادی مطابق با ۸۹۵ هجری چاپ شد. اثر

دیگر «حاوی» است که ترجمه لاتین آن در سال ۱۴۸۶ میلادی مطابق با ۸۹۲ هجری در برسیا Brescia به چاپ رسید و بار دیگر در ونیز در سال ۱۵۴۲ میلادی مطابق با ۹۴۹ هجری تجدید چاپ گردید. ترجمه اخیر بسیار نادر می‌باشد و تنها نسخه‌ای که در شهر کمبریج موجود است متعلق به کتابخانه دانشکده کینینگ می‌باشد. حاوی بزرگترین و مهم‌ترین اثر رازی است.

آثار رازی به واسطه شرح مشاهدات و جریان امور مطب (کلینیک) بر آثار مؤلفان دیگر ترجیح دارد و مطالعه دقیق آثار او به ویژه بزرگترین آنها «حاوی» برای دانشجویان عربی‌دان که به رشته طب علاقه داشته باشند، بسیار ارزشمند است. ابن‌ابی‌اصیبیه در طبقات الاطبا می‌گوید: «تفصیل بسیاری از مشاهدات گوناگون و گرانبهای رازی در دست است که نشان می‌دهد در کار و تخصص خویش تا چه پایه ماهر بوده است و در درمان بیماران تا چه اندازه کامیاب بوده و چگونه در تشخیص درست و تجویز دارو مهارت داشته به طوری که کمتر پزشکی به پایه بلند او رسیده است.» (۱)

نشریه دارویی رازی سالگرد تولد این دانشمند بزرگ ایران را که قرن‌ها باعث افتخار ملت ما بوده گرامی می‌دارد و آرزو دارد که در دوره جدید زمینه پرورش چنین دانشمندانی در ایران اسلامی فراهم آید.

دکتر سید محمد صدر

زیرنویس:

۱- رجب نیام (مترجم). تاریخ طب اسلامی. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی؛ ۱۳۵۷: ۷۸-۸۵